



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى.....

نشریه عین

نشریه تخصصی مدرسه اسماء الحسنی

سال اول

مهرماه ۱۴۰۴

شماره اول



مجمع‌الرفقہ اسلامی ایران
دانشگاه تهران



مدرسه اسماء الحسنی



۱. این جهاد شماست!
بیاناتی از رهبر فرزانه در دیدار با نخبگان

۲. آنچه شهید طهرانچی از مسیرهای فرعی می‌گوید.

۳. از اولین نفس‌هایمان در مسیر حیات ما به دنبال علم آموزی هستیم، پیوند ما با کلمات و کتاب شروعی برای ورود به دنیای اسرار آمیز علم است. اما حقیقت چیست؟ علم حقیقی را چگونه می‌توان شناخت؟

۴. چگونه با قرار گرفتن در چرخه‌ی علم و عمل از نور قرآن بهره‌مند شویم؟ شناخت مسیر تخصصی تدبیر در قرآن و قدم‌هایی که باید یک به یک برداشته شود تا ما را به قرائت حقیقی قرآن موفق سازد.

۵. هستی؛ آنچه در آن غرقیم ولی شاید کمتر می‌شناسیمش!
عرضه‌ای به پهنای تمام عالم و آنچه موجود است.

۶. تک تک اشیاء، آنچه پدید آمده است. چه ماهیتی دارد؟
از آفریدگار خود چه حقیقتی را جلوه خواهد داد؟
اصلاً آیا ما آنها را می‌بینیم؟

۷. نگاهی عمیق‌تر به واژگان قرآنی در حوزه‌ی پدیده. این بار واژه مثل

۸. هدف غایی عملیات است.
آشنایی با کارگروه عملیات‌های پژوهشی محور



سر آغاز گفتار

می جوشد، وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا...

از میان سنگ‌های سخت، ذرات خاک و سنگریزه‌ها می‌گذرد. خلاف جهت نیروی جاذبه‌ی زمین، کششی از آسمان آن را به بیرون هدایت می‌کند. زلال و شفاف، با انرژی فزاینده‌ای، راهی برای خود باز می‌کند، زمین را می‌شکافد و بالا می‌آید.

جریان دارد، ... فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ...

اگر جریان نداشت که بالا نمی‌آمد. اصل و ذات چشمه بودن، جریان داشتن است. از همان ابتدای فرو رفتن آب در دل خاک و بعد از آن سر برآوردنش از زمین. این جاری بودن، آن را خواستنی کرده است.

سیراب می‌کند، عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ....

گوارا و دلچسب، کافی است کفی زیر آب

ببری و جرعه ای بنوشی. اما شرط آن، رسیدن به نقطه‌ای است که شکافی حاصل شده و جوششی در کار است. تشنگی آغاز حرکت است.

جوشش یکم!

انتشار و نوشتن خود راهی برای کشف و طبقه‌بندی دانسته‌های ماست. در این اندیشه بودیم رزقی که سالها بر سر خوان گسترده‌ی قرآن نوش جان کرده‌ایم را با دیگر دوستان خود هم‌سفره شویم. تلاش ما در این نشریه بر آن است که نوشتارهایی کوتاه و خلاصه از آن چه در کارگروه‌های تخصصی مدرسه‌ی اسماء الحسنی می‌گذرد را در مقابل چشمان خوانندگان عزیز قرار دهیم. این یک ورود نوپا و تازه به عرصه‌ی نشر معارف قرآنی است. امید داریم در ادامه‌ی این مسیر بتوانیم با مدد حق، این رسالت مهم را پرتوان و شایسته به انجام برسانیم.



ما باید تفوق علمی داشته باشیم؛ ما دشمن داریم. دلایلی دارد که حالا جای بحث اینجا در این جلسه نیست؛ یعنی همه‌ی کشورها، همه‌ی ملت‌ها، رقاباتی، بدخواهانی، دشمنانی دارند، و ما بیشتر از خیلی از کشورهای دیگر. باید با تفوق علمی بر آنها غلبه پیدا کنیم، کما اینکه اگر در جایی غلبه‌ای هم داشتیم، بر اثر همین تفوق علمی و فناوری بوده. من اینجا یادداشت کرده‌ام که برتری علمی و فناوری گاهی می‌تواند دست دشمن را از ضربه وارد کردن به جمعیت‌های بزرگی مثل غزه و ضاحیه کوتاه کند.

ما اگر چنانچه از لحاظ علمی مثلاً فرض بفرمایید در زمینه‌ی تسلیحات، از این [چیزی] که هستیم مبالغی جلوتر بودیم، یقیناً در اوضاع منطقه اثر می‌گذاشت، و می‌توانست مانع از افروختن این آتش‌های سوزنده‌ی دل‌ها و جان‌ها بشود یا آنها را خاموش کند. حرکت علمی، تفوق علمی، یک چنین چیزهایی هم دارد.

البته علی‌العجاله هم توصیه‌ی بعدی به نخبگان، «تشکیل شرکتهای دانش‌بنیان» است. [...] البته نشان افتخار شرکت دانش‌بنیان را نباید پایین آورد؛ نباید جوری عمل کرد، جوری شرکت تشکیل داد که به معنای واقعی کلمه دانش‌بنیان نباشد. بایستی به معنای واقعی کلمه دانش‌بنیان باشد و سخت‌گیری‌های لازم در ارزیابی‌ها انجام بگیرد، اما تعداد باید زیاد بشود؛ این کار نخبگانی است.

بیانات در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی

این جهاد شماست...

یک وظیفه‌ی مهمی امروز در کشور وجود دارد و آن، «خیزش جدید علمی» است. [...] تحولات علم در دنیا خیلی سریع است. شما خودتان همه اهل علمید، می‌بینید دیگر که تحولات علمی دنیا چقدر سریع است. ما یک خیزش جدید نیاز داریم، یک حرکت جدید نیاز داریم، یک نهضت جدید علمی نیاز داریم؛ این کار را چه کسی باید بکند؟ شما نخبگان. البته دانشگاه‌ها مسئولند، مراکز علمی گوناگون، پژوهشکده‌ها و امثال اینها همه مسئولند لکن عامل اصلی، فرد نخبه است. دنبال خیزش علمی باشید و این جهاد شما است. البته من جلوی انواع دیگر جهاد شما را نمی‌گیرم — مثل جهاد مالی، جهاد تبیینی و امثال اینها — لکن جهاد عمده‌ی شما نخبگان عبارت است از همین حرکت علمی و خیزش جدید علمی و پیدا کردن تفوق علمی بر رقیبان و بدخواهان.



- زمانی که ما از قله‌های علمی بزرگی مانند شهید شهریار و شهید علی‌محمدی نام می‌بریم، باید همواره توجه داشته باشیم نوک قله زمانی درخشان است که قاعده‌ی قله بزرگ باشد. اگر پایه و قاعده‌ات بزرگ نباشد، در نوک قله نمی‌توان انتظار درخشندگی ستاره‌ها را داشت. در سال ۲۰۱۶، یک مطلبی از یک سند آمریکایی در NSF نقل می‌شود که می‌گوید جمعیت در حقیقت تعیین‌کننده‌ی قدرت کشورهاست. در آن سند گفته می‌شود نیروی انسانی با مهارت‌های علوم مهندسی، منشأ جمع‌آوری ظرفیت نوآورانه‌ی ملت‌ها و اقتصاد رقابتی هستند. ما امروز این نیروی انسانی بامهارت را داریم.
- حرکت علمی جمهوری اسلامی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب، سه ویژگی داشته است: یکی آموزش، یکی تحقیق و سوم فعالیت‌های تجاری علم و مهندسی و اقتصاد دانش که شرکت‌های دانش‌بنیان را به وجود آورده است. این‌ها به معنی حضور ایران در یک دنیای چندقطبی فزاینده در علم و مهندسی است که پس از دهه‌ها رهبری علم توسط ایالات متحده‌ی آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا و ژاپن رخ داده است. جریانی که رهبری در همه این سال‌ها برای شکوفا کردن جریان خودباوری علمی درون‌زا هدایت کرده‌اند، اکنون به مرحله تبدیل علم به فناوری و محصول رسیده است. برای همین هم

**مواظب راه‌های
فرعی باشید!**



این در حالی هست که رهبری در رمضان گذشته به‌طور صریح بیان کردند که وظیفه‌ی اول دانشگاه این است که علم تولید کند و عالم تربیت کند؛ بقیه‌ی امور، در کنار این‌ها قرار دارد.

- من توصیه اصلی‌ام به جوان‌هاست؛ باید به این کشور افتخار کرد. جوان‌های این سرزمین باید بدانند این کشور بیش از چندین هزار سال سابقه‌ی تمدنی دارد و همواره علم در این کشور حرف جدی زده است و علم را دانشمندان این سرزمین و جوان‌هایی که در مکتب فکر، نظر و اندیشه زانو زده‌اند یافته‌اند. همان‌طوری که فردوسی معطل نماند که پول بگیرد و شاهنامه را بسراید، دانشمند باید نقش‌آفرین باشد. آینده‌ی کشورمان به وجود جوان‌ها در صحنه‌ی علم نیازمند است. مواظب راه‌های فرعی باشید؛ راه‌هایی که برای کشور اقتدار، عزّت و هویت نمی‌آورند.

بخشی از سخنان شهید طهرانچی در برنامه تلویزیونی «نگاه» در سال ۱۴۰۴

می‌بینید که دیدار رهبری با اساتید چند سالی است که برگزار نمی‌شود، اما دیدار ایشان با فناوران، شرکت‌های دانش‌بنیان و نخبگان همچنان ادامه دارد. این نشان می‌دهد که ایشان با اعتقاد و باوری که به «العلم سلطان» دارند، به نتیجه رسیدن این حرکت را با جدّیت پیگیری می‌کنند.

- خب دشمن از نیمه دهه هشتاد که متوجه رشد علمی ما شد، برنامه‌ریزی کرد تا در این حرکت اختلال ایجاد کند. صریحاً هم می‌گوید که ما باید با ایجاد تحریم‌ها و اغتشاشات سیاسی، بال‌های حرکت پرسرعت ایران اسلامی را بگیریم. پیشرفت علم، نیازمند توجه و هزینه‌کرد و خرید تجهیزات آزمایشگاهی لازم است و تحریم، مستقیماً این موارد را هدف گرفته است. متأسفانه مسئولین ما هم گاهی به دشمن کمک کرده‌اند؛ یعنی نگاهشان به دانشگاه صرفاً به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی بوده است و وظیفه توسعه علم را برای آن ندیده‌اند.

آن هنگام که نوزاد پس از تولد مادر خود را می‌شناسد و برای رفع نیاز خود او را می‌خواند، مفهوم علم را به کار گرفته است. چرا که مبتنی بر نیازی واقعی و حقیقتی ثابت در این عالم این رویداد رخ می‌دهد.

من المهد الى اللحد



همین امر ادامه می‌یابد تا شناخت او از محیط زندگی تا حد مطلوبی کامل می‌شود و با یادگیری زبان و کلمات توان برقراری ارتباط با دیگران را می‌یابد.

در این هنگام وارد مرحله جدیدی از علم آموزی می‌شود و کلمات، کلام و کتاب که محورهای اصلی در آموزش هستند برای او جایگاه می‌یابند. در واقع با یادگیری خواندن و نوشتن باب علم آموزی به طور جدی بر انسان گشوده می‌شود. آری کتاب یکی از مهمترین ابزارهای انتقال علم محسوب می‌شود که خود مانند علم بسیار رمزا لود است.

از این پس انسان با غور در مطالب علمی مکتوب و جستجوگری در جهان هستی به کشف و شناخت می‌پردازد. اما مقصد او کجاست؟ شناخت پیرامون و بهره‌وری از امکانات به منظور ارتقای سطح کیفی زندگی بشر چه رویکردی را دنبال می‌کند؟ آیا علم آموزی و بهره‌مندی از آن در زندگی، سعادت انسان را هم رقم می‌زند؟ و سوالات بسیار دیگر اساسا جهان بینی در مواجهه با علم و بهره‌مندی از آن چه جایگاهی دارد؟ آیا چنین انتظاری داریم که به واسطه علم آموزی جهان بینی ما ارتقا یافته از تاریکی و جهل خارج شویم؟ آیا آنچه با عنوان علم از گذشته به ما به ارث رسیده است واقعا همان علم است؟ دانش، معرفت، شهود، یقین و سایر واژگان نزدیک به علم چه وجه مشترک و متمایزی با آن دارند؟

سوالات مشابه متعددی می‌توان پیرامون

علم داشت که پاسخ به هر یک می‌تواند تحولی در سبک زندگی فردی و اجتماعی و رویکرد علمی ما در هر یک ایجاد کند.

اولین سوالی که پیش می‌آید این است که آنچه امروزه با تعریف علم می‌شناسیم، برای چنین تحولی کفایت می‌کند. علم را به مجموعه فرضیه‌ها و پیش‌بینی‌های قابل تجربه و استدلال درباره جهان هستی می‌شناسیم که به چند شاخه اصلی علوم طبیعی و علوم اجتماعی، علوم نظری و علوم کاربردی تفکیک می‌شود.

شاید آن علمی که در روایات اهل بیت علیهم السلام از آن سخن گفته شده و بر هر انسانی طلب آن فرض شده است و یا آن عملی که برای طلب آن تا چین و راه‌های دور هم باید رفت و یا آن علمی که شایسته است از گهواره تا گور در پی طلب آن باشیم، آنچه ما به عنوان علم می‌شناسیم نباشد یا آنچه ما سراغ داریم همه آن نباشد. شاید فقط بخشی از آن و یا شاید مقدمه‌ای برای دستیابی به آن باشد. شاید این موضوع آشنا آنقدرها هم که به نظر می‌رسد برایمان شناخته شده نباشد.

ماهیت علم، انواع و مراتب آن، هدف و غایت بهره‌مندی از آن و همچنین روش دستیابی به علم چهار محور کلیدی در شناخت ابعاد مختلف علم محسوب می‌شوند که لازم است به شناخت این ابعاد پرداخته شود تا وظیفه ما نسبت به فریضه علم آموزی مشخص شود. علمی که بر مبنای تعالیم قرآنی همراه با قدرت است و سلطان ایجاد می‌کند؛ علمی حیات آفرین و روح افزا



قدم قدم در مسیر تدبر

با توجه به این مقدمه، خواندن قرآن مستلزم تأمل و مکث در معانی آن برای درک حقیقت نازل شده است؛ به گونه‌ای که این معنا در وجود فرد استقرار یافته و همراه با ارتقاء رتبه معنوی او باشد. به این ترتیب، قرائت علمی است که در وجود فرد ثبت شده و از طریق درگیر شدن قوای شنیداری و دیداری، اثر خود را بر جای می‌گذارد؛ به نحوی که دچار فراموشی و زوال نشود. این نوع قرائت قرآن، بهره‌مندی از ویژگی هدایت به سوی نور و خروج از ظلمات است.

از سوی دیگر، وجود انسان از دو مولفه علم و عمل تشکیل شده است. آنچه ادراک و علم انسان می‌شود، در عمل نمود یافته و اعمال او نیز به دریافت‌های علمی جدید منجر می‌شود. این چرخه در طول عمر انسان فعال بوده و او را به حیات حقیقی می‌رساند. آسیمی که می‌تواند متوجه انسان شود، گرایش صرف به علم یا عمل بدون توجه به مولفه دیگر وجود است.

برای پیشگیری از آسیب در قرائت قرآن، ضروری است که علم و نوری که از رجوع به کتاب حاصل می‌شود، در عمل بروز یابد و زمینه‌ساز دستیابی به علم بالاتر شود. گسست متن قرآن از متن زندگی، آسیب مهمی است که باید نسبت به رفع آن اهتمام ورزید.

در مجموع، آنچه در نحوه رجوع به قرآن باید مورد توجه قرار گیرد، به شرح زیر است:

- فهم حقایق نازل شده در قرآن به تدریج و با نیاز به مطالعه و تأمل صورت گیرد. هر اندازه برای این امر زمان صرف شود، ارزشمند بوده و ثمره آن دستیابی به علم حقیقی، خروج از ظلمت و هدایت به نور

یکی از ضرورت‌های جمع اعضای مدرسه دانشجویی اسماء الحسنی، تدبر در قرآن و مراجعه مستمر به متن کلام‌الله است تا بتوانیم از آن در زندگی بهره‌مند شویم؛ به گونه‌ای که قرائت قرآن، صحنه زندگی ما و اطرافیانمان را دگرگون کند و حرکت و قیامی جمعی به سوی رشد و کمال را موجب شود. این هدف مهم تنها زمانی محقق می‌شود که شرایط و لوازم آن فراهم گردد و گام‌های لازم به تدریج برداشته شوند.

کلمه «قرائت» در زبان به معنای ضمیمه کردن حروف و کلمات به یکدیگر است؛ البته این اصطلاح به هر گونه پیوستن گفته نمی‌شود؛ مثلاً جمع شدن گروهی از افراد را «قراءات القوم» نمی‌نامند. وقتی گفته می‌شود «قرأت الكتاب»، منظور این است که با کنار هم گذاشتن حروف، کلمه‌ای و با کنار هم گذاشتن کلمات، جمله‌ای ساخته شده و از آن مطالبی بهره‌برداری شده است؛ هرچند این حروف و کلمات را به زبان نیاورده باشی قرآن نام کتابی است که خداوند متعال آن را بر پیامبر گرامی‌اش، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، نازل کرده است. این کتاب به این نام خوانده شده زیرا پیش از آن، کتابی از جنس خواندنی‌ها نبوده و برای فهم بشر نازل شد تا به کتابی خواندنی تبدیل شود.



تثبیت شده و انسان را به حیات واقعی می‌رساند. صرف نظر کردن از عمل به دانسته‌ها، به معنای چشم‌پوشی از علم و سپردن آن به فراموشی است. با ما در این مسیر همراه باشید...

خواهد بود. حیات ابدی انسان وابسته به میزان درک او از کتاب و نورانی شدن به واسطه کلام الهی است.

● علمی که از کتاب به دست می‌آید، در چرخه علم و عمل و از طریق عمل

هستی؛ هست + ی

سیر غایت‌مندی هستی، ویژگی‌های خاص انسان نسبت به مخلوقات دیگر، انبیاء و نیز قیامت را مورد نظر قرار داد.

در پهنای هستی این فقط انسان است که می‌تواند این ساختار را شناسایی کند و این شناخت او هر چه دقیق‌تر باشد او را در رسیدن به غایت آفرینشش یاری می‌کند. از این رو شناخت یا عدم شناخت آن دو نوع زندگی را برای انسان رقم می‌زند. انسان در مواجهه با این ساختار، می‌تواند مسیر عاقلانه‌ای را پیش گیرد و با استفاده از این امکانات به وسیله اعمالش حظ خود را از درک این نظام ارتقا بخشد. با شناخت ساختار هستی می‌توان نسبت به خالق، خود، هدایت، امکانات هدایت و وظایف زندگی آگاه شد.

ما در این اندیشه هستیم که خداوند جهان پیرامون ما و قوانین آن را چطور معرفی می‌کند؟ در مورد هر شیء، ماهیت آن، نقشی که در ارتباط با دیگر اشیاء دارد، جریان و نظامی که تولید می‌کند و نفع و ضرری که دارد، چه چیزهایی را باید بدانیم؟ انسان در این هستی چه جایگاهی دارد؟

انسان، جامعه و هستی، واژگانی هستند که در دل خود حقایق ژرفی از عالم را برای ما بیان می‌کنند. این حقایق در ارتباط تنگاتنگی با هم قرار دارند. خداوند در کلام نورانی قرآن در آیات گوناگونی، این سه کلمه را برای ما تبیین و ساختار هریک را بیان می‌کند. شناخت هر یک از این ساختارها و بهره‌مندی از قواعد آن، عامل هدایت انسان و رسیدن به غایت او است.

هستی شامل هر آنچه خلق شده و پدید آمده است، می‌شود. تمام مخلوقات از الله هستند، به سوی الله باز می‌گردند و سیر مشخص و قانونمندی دارند. ساختار هستی نشان‌دهنده سیر قانون‌مند و مشخص مخلوق در هستی است. نه تنها یک فضای مادی، بلکه حقیقت حاکم بر هستی است. برای فهم این ساختار می‌توان موضوعاتی مانند خلقت و تدبیر هستی، غلبه و سیطره‌ی مالکیت هستی آفرین بر هستی، نشانه‌های هستی آفرین و موضع‌گیری انسان نسبت به او، ملائکه، عرش، سیر غایت‌مند همه مخلوقات و نقش آنها در



موجوداتی با عمرهای طولانی، خیلی چیزها دیده اند و شنیده اند اما ترجیح دادند سکوت کنند و شاید انسان هم تنها موجودی است که می تواند نطق آنها را بخواند و راز دلشان را بشنود. یک سنگ رسوبی داشتم که از کوه پیدا کرده بودم ورق ورق بود و به راحتی، صفحاتش از هم جدا می شد، هر ورقش شاید تاریخ چند هزار ساله می داشت. سنگ دیگری داشتم که آهکی بود و به راحتی پودر می شد، چقدر شکننده! پدرم می گفت این سنگ روزی می توانست سنگ مرمر شود اگر می ماند و فشار و حرارت را تحمل می کرد. آیا روان آدمی چنین نیست؟ می سوزد و می سازد. هر شکست، لایه ای از ناپختگی اش را می زداید. هر اندوه، ذره ای از وجودش را فشرده تر می کند. تا روزی که چون مرمر صیقل خورده، در برابر آفتاب حقیقت بایستد و بدرخشد. شکست ها، ناکامی ها و سنگینی مسئولیت ها، گاهی چنان بر روحمان فشار می آورند که احساس می کنیم خرد خواهیم شد. اما درست در همین لحظات است که مانند سنگ آهک در اعماق زمین، در حال تغییریم. صبر، تلاش و مقاومت، ساختار وجودمان را متحول می کند و از ما نسخه ای قوی تر، عمیق تر و درخشان تر می سازد؛ امروز هر سنگی که برمی دارم، برایم تنها یک شیء سخت نیست؛ بلکه صفحه ای از کتاب زمین است، شاید هم صفحه ای از کتاب وجود خودم.

و حالا آن چه مدتهاست ذهنم را به خود مشغول کرده این است که چگونه می توانم این حس و تجربه شیرین را به فرزندانم و سایر کودکان منتقل کنم؟

چشم بگشا تا جهان بینی

پدرم از ظاهر سنگ های حیاط می گفت اینجا قبلاً یک رودخانه بزرگ بوده و سالها پیش خشک شده و من با همین جمله خیال پردازی می کردم، سنگ هایی که پیدا می کردم می شکستم و درونشان را می دیدم، بعضی هم رنگ بیرون، بعضی متفاوت و درون بعضی، چیزی شبیه فسیل بود، بعدها فهمیدم فسیل واقعی نبودند و به آنها سنگ شجر گفته می شود. آن سنگ اولین گنج من شد؛ گنجی که نه طلا داشت و نه جواهر، اما قصه ی زمین را در خود پنهان کرده بود. سنگ ها عجیب اند،



دریافتی از واژه مثل

شکل چیزی، آن چیزی است که در اکثر صفاتش شبیه آن است به گونه ای که تمایزشان از هم مشکل شود و فقط در اشکال و تصاویر به کار می‌رود. شبه در موارد قابل مشاهده به کار می‌رود. دو چیز مثل از نظر ذات معادل یکدیگرند، در حالی که نظیر، چیزی است که از نظر نوع افعالش با نظیر خود مطابقت دارد و او قادر به انجام آن است. توافق در حکم و عمل اتفاق می‌افتد. معادل، چیزی است که احکامش با احکام دیگری مساوی است، هرچند فی نفسه مثل آن نباشد. در لغتنامه «العین» آمده: «ند» چیزی است که مثل چیزی باشد و در امور آن با آن مخالفت کند.

علامه مصطفوی در لغتنامه التحقيق می‌گوید مثل، مساوی قرار دادن چیزی با چیزی در صفات ممتاز مورد نظر است؛ و این مشابهتی، تام است.

در قرآن از ریشه مثل، واژگان مثل و جمع آن أمثال، مَثَل و جمع آن أمثال، ضرب مثل، تصریف مثل، مثالات، مثلی و امثال، تماثل به کار رفته است. درباره کاربردهای قرآنی ریشه مثل می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

یکی از واژگان پرکاربرد در ریاضی و دیگر تخصص‌های علوم پایه، مثل است.

در تحقیقات موجود درباره مثل افلاطونی و در رد یا تایید آن صحبت‌های فراوانی شده و به آراء ارسطو، ابن سینا، ملاصدرا و فارابی در این باره پرداخته شده است.

درباره ریشه مثل و تفاوت آن با واژگان شبه، عدل، ند، نظیر و مساوی نیز در لغتنامه‌ها به نکات قابل توجهی اشاره شده است.

در اینجا می‌خواهیم بدانیم کلمه مثل در ریاضی با کلمات متشابه و هم شکل و امثال آن چه تفاوتی دارد؟ و قبل از آن باید بدانیم معنای مثل با توجه به لغتنامه‌ها و آیات قرآنی چیست؟

از نظر ابن فارس در مقاییس اللغة، مثل یعنی تناظر یک شیء، با شیء دیگر. و ابن، مثل آن، یا این نظیر آن است. در لغتنامه مفردات راغب، مَثُول را گماشتن، راست کردن چیزی و برپای خاستن معنا کرده است. و می‌گوید مَثَل، حرفی درباره چیزی است که شبیه حرفی درباره چیز دیگری می‌شود برای اینکه یکی، دیگری را روشن کند و به تصویر کشد. در لغتنامه فروق اللغة درباره تفاوت این ریشه با ریشه‌های دیگر که معنای همانندی می‌دهند آمده که دو چیز مثل هم، در ذات کفویت دارند و مَثَل نیز به معنای صفت است



- مِثْل، همانندی در وزن و تعداد است
- مِثْل در اقوال به معنای همانندی در محتواست
- مِثْل در قصاص به انطباق کامل است
- مِثْل چیزی، چیزی مساوی آن با در نظر گرفتن همه شرایط است.
- مِثْل برای همانندی در مقدار، رفتار و گفتار، و نیز در کیفیت و شدت نیز به کار می رود.
- مِثْل به معنای شبیه نیز به کار می رود
- علامه طباطبایی در المیزان می گوید مِثْل چیزی آن چیزی است که در نوع و جنسش با آن یکی است.
- مِثْل چیزی ویژگی قابل مقایسه‌ای از آن است که همانند ویژگی عیان شده از افعال شیئی دیگر است.
- مِثْل چیزی صفت بارز آن چیز است که بواسطه تفصیل مطلوب و نامطلوب درباره چیز دیگری فهمیده می‌شود
- مِثْل به معنای سرگذشت تکرارپذیری است که باید از آن عبرت گرفته شود
- مِثْل به معنای توصیف مقصود است به چیزی که آن را مجسم و ممثل کند و ذهن شنونده را به آن نزدیک گرداند.
- مِثْل صفت مشبیه است؛ به معنای چیزی که به مثلیت، متّصف و این عنوان در آن ثابت است و آن چیزی است که در مقام ارائه امری، متمثّل می‌شود
- مَثْل شدن یعنی متصف شدن به صفتی خاص و برجسته.
- مَثْل به معنای آیه هم به کار می رود.
- «تصریف امثال» به معنای برگرداندن و دوباره آوردن و با بیانه‌های مختلف و اسلوبهای گوناگون ایراد کردن است.
- ضرب مَثْل به معنای بیان دقیق و عین به عین است.
- ضرب مَثْل روشی برای تبیین حقیقت است با نازل کردن و تفصیل و توصیف آن
- کلمه «مَثْل» به معنای نظیر و همجنس هر چیز است. و معنای «مَثْل زدن چیزی» به معنای این است که آن را مجانس چیزی بگیری.
- مَثْله عقوبتی است که انسان را ضرب المَثْل بقیه می‌کند.
- امثال یعنی نزدیک ترین و شبیه ترین به حق و صدق
- کلمه «مَثْلی» مؤنث امثال است و به معنای شبیه‌تراست
- «تمثال» به معنای هر چیزی است که صورتگری شده باشد و جمع آن تماثیل است.
- پس از بررسی ریشه مَثْل در لغتنامه ها و آیات قرآن می‌توان گفت:
- مِثْل همانندی دو شیء قابل مقایسه از وجهی (در اجزا یا در حالت ها یا در فرایندها یا صفات) است.



بنابراین چون خدا با چیزی قابل مقایسه نیست
مثل ندارد. در نتیجه تمام صفات موجود در
سوره مبارکه توحید باید در مثلیت وجود داشته
باشند. یعنی مثل چیزی چون مخلوق است
احد نیست پس حتماً غیریتی وجود دارد و مثل
داشتن، ضد فردیت و انحصار شیء است. صمد
مربوط به سیر داشتن است. یلد خاصیت انتقال
شوندگی و کفو همانندی و هم عرضی برای
شیء است.

تمثل ایجاد خلق در
مرتبه ای است. در تمثیل از
مثال یا مثل در فهم استفاده می شود. مثله نیز
عقوبتی است که قابل تکرار باشد و به عینه اتفاق
بیفتد. هر جایی که دستگاه مختصات عوض می
شود و داریم یک چیز را در دو دستگاه می بینیم
از مثل استفاده می کنیم ولی وقتی به اجزای
شکل دهنده هر کدام که منجر شده عین آن
فرایند تکرار شود توجه کنیم از مثل استفاده
می کنیم. در واقع در مثل شیء در مرتبه ای
دیگر نازل می شود و در آن مقایسه وجود ندارد
یا کمتر است.

بعد از به دست آوردن معنای ریشه باید
برگردیم به ریاضیات و آن را مجدداً در ریاضیات
بررسی کنیم:

دو شکل مثل هم اشکالی هستند که اجزای آنها
نظیر به نظیر بر هم قابل انطباق باشند و در
ارزیابی یادگیری مثل، فرد باید بتواند دو شکل
مانند هم را تشخیص دهد.



می‌خواهی وارد عملیات شوی؟

و قدرت علمی و اجرایی آنها در انجام پروژه‌های مسئله محور ارتقاء یابد. گزارشی از فعالیت‌های در حال اجرای این کارگروه به شرح زیر می‌باشد:

- برگزاری دو دوره طرح آلاء جهت آموزش تدبیر در قرآن
- برگزاری دوره‌های طراحی دارو و هوش مصنوعی
- انجام بیش از سی طرح پژوهشی در زمینه گیاهان دارویی و شناسایی ترکیبات و اثرات آنها در داروهای گیاهی با اساتید دانشگاه‌ها در حوزه بیماری‌های دستگاه تنفسی، سرطان، خودایمنی و ناباروری و بیماری‌های کودکان و تشخیص سرطان و ...
- مدلسازی گیاهان دارویی
- پژوهش‌هایی برای تولید محصولات دارویی
- استخراج نقشه رشته‌ها
- پژوهش‌هایی در حوزه هوش مصنوعی
- تدوین نقشه اقلیم کشور و استفاده در مدلسازی
- تدوین کارگاه‌ها و سمینارهای تخصصی در حوزه علوم بنیادین که از شهریور ماه آغاز خواهد شد.
- در صورت تمایل به عضویت در این کارگروه می‌توانید از طریق زیر اقدام نمایید:

https://ble.ir/r_doosti
raheledoosti@gmail.com

کارگروه عملیات‌های پژوهش‌محور با هدف تشکیل جمع‌هایی از قرآن پژوهان متخصص در حوزه‌های علوم پایه و فنی مهندسی سعی دارد سهمی در برطرف کردن نیازهای کشور که مرتبط با علوم پایه و مهندسی است، ایفا کند.

در این کارگروه افراد به دنبال شناسایی نیازهای اصلی کشور در این حوزه هستند و در تلاش برای انجام عملیات‌های پژوهش‌محور جهت تولید محصول و گره‌گشایی از مسائل مرتبط.

امید می‌رود با تشکیل جمعی از نخبگان علمی و قرآن پژوه، زمینه‌سازی برای بهره‌مندی از حقایق قرآنی در علوم پایه و فنی مهندسی فراهم شود.

برای فعالیت در این گروه لازم است فرد در یکی از رشته‌های علوم پایه و مهندسی متخصص باشد و بتواند حل مسئله‌ای را پیگیری نماید. فعالیت‌ها در این بخش به صورت پروژه‌ای انجام می‌شود. این پروژه‌ها بر مبنای نیازهای کشور تعریف می‌شود و نحوه اجرایی و عملیاتی کردن آنها با توجه به نوع پروژه متفاوت می‌باشد.

همچنین در این کارگروه برای آموزش تدبیر در قرآن به اساتید و پژوهشگران طرح‌هایی در حال اجرا می‌باشد که طرح آلاء یکی از این برنامه‌ها می‌باشد تا این افراد بتوانند در کنار قرآن خواندن با یکدیگر مرتبط شده

اخبار مهرماه

در پایان دوره نیز اردویی علمی - تفریحی در یکی از صنایع دانش بنیان برگزار گردید. نحوه شرکت در دوره جدید را از طریق اطلاعیه‌ها پیگیری نمایید

- جمعی از علاقمندان به حوزه تدبیر در هستی مطالعه و مباحثه کتب تدبیر در هستی را پیگیری می‌نمایند. اگر علاقمند به شناخت نگاه کلان به عالم هستید می‌توانید با این جمع همراه باشید. در زمان شروع هر کتاب اطلاعیه‌ای جهت همراهی اعضای جدید منتشر می‌شود. این جمع هم‌اکنون در حال مطالعه کتاب تدبیر در کلمه هستند.

- جلسات آموزشی دفتر اول کتاب تدبیر در پدیده که قبلاً برگزار شده بود، تابستان امسال با آموزش دفتر دوم ادامه یافت. این جلسات هم‌اکنون در حال برگزاری است.

نیت جمع ما نشر معارف قرآنی در قالبی جذاب و محتوایی غنی است. اگر در این راستا ایده‌ای برای بهبود مطالب نشریه به نظرتان می‌رسد بسیار خوشحال می‌شویم که با ما در میان بگذارید.

<https://ble.ir/hmofidi>

- به فضل خدا تا کنون دو دوره طرح آلاء برگزار شده است. این دوره که ویژه اساتید و پژوهشگران رشته‌های علوم پایه و فنی مهندسی می‌باشد برای بار دوم در تابستان امسال به جذب مخاطبان خانم و آقا پرداخته است. مخاطبان دوره اول که همگی از بانوان گرامی بودند، هم‌اکنون در حال گذراندن تدبیر کلمه‌ای می‌باشند. سلسله کارگاه‌های تخصصی طرح آلاء به منظور آشنایی مخاطبان با موضوعات اصلی و مورد نیازشان برگزار می‌شود. این موضوعات از دیدگاه قرآنی و روایی استخراج شده و سیر محتوایی مناسبی را جهت ایجاد نگاه تخصصی قرآنی در اختیار فرد قرار می‌دهد.
- دوره تابستانه شهید فخری زاده ویژه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه برای دختران و پسران برگزار شد. این دوره بر پایه فهم قرآن و همراه با مطالعه پدیده‌ها و کشف ارتباط میان آن‌ها و گزاره‌های دریافتی از سوره‌ها بود.